

فصل ۱

مادر و سرزمین مادری از بهشت بزرگ‌ترند



تحصیل مانند یک چشم سوم است، یک گنج نهان،
بخش‌بندهی شهرت و شادی است و آموزگار آموزگاران،
در سرزمین‌های بیگانه یک دوست است و راهنمای متعال.
بیش از ثروت مورد ستایش پادشاهان است. فردی که آموزش ندیده، حیوان است.

اصحاب آموزش، معلمان و دانش‌آموزان!

درست همان گونه که یک کودک، مادر و پدرش را می‌شناسد، دانش‌آموزان باید تاریخ و فرهنگ زادگاهشان را بشناسند. کشور مانند یک مادر است و فرهنگ مانند یک پدر. کسی که فرهنگش را نمی‌شناسد هرگز نمی‌تواند سرزمین مادری‌اش را بفهمد.

فرهنگ بهارات^۱ اصیل‌ترین است. بهاراتی‌ها راستگو و درستکارند. عدالت و انصاف، دم حیات‌بخش آنها هستند. وقتی حقیقت ابدی تخریب‌ناپذیر بی‌شکل، فرم می‌پذیرد، آن فرهنگ هندوستان است.

لازم است دانش‌آموزان تنها ساتیا (راستی) و دارما (درستکاری) را پاس بدارند و آنها در عوض از کشور حفاظت خواهند کرد. پیروزی تنها به همسری راستی و درستکاری در می‌آید، نه ثروت یا موقعیت. مهم نیست چه اندازه تحصیل‌کرده، باهوش یا تاثیرگذار باشید، باید ارزش‌های انسانی را پاس بدارید. تنها به این دلیل که ارزش‌های انسانی امروزه در بهارات نادیده گرفته می‌شوند، انسان ارزش خود را از دست داده است.

^۱ نام کهن سرزمین هندوستان. - م

منظور از تحصیل چیست؟ منظور فقط دانش کتابی نیست. آیا می‌توان همه‌ی آنهایی را که خواندن و نوشتن می‌دانند فرهیخته نامید؟ آیا به دست آوردن مدرک، فرد را فرهیخته می‌کند؟ آیا تحصیل بدون آموزش‌های اخلاقی و معنوی به مقصود خود می‌رسد؟ اگر تحصیل فقط برای زندگی کردن است، آیا پرندگان و حیوانات نیز زندگی نمی‌کنند؟ به این ترتیب، زندگی کردن کافی نیست. آرمان‌های زندگی مهم هستند.

امروزه حقایق کهن و ممتاز، نادرست برداشت می‌شوند. طبیعت، که پاک و مقدس است، از جامعه دور رانده می‌شود. مردم از محبت، درستکاری و نظم گریزانند. دانش‌و‌ده‌های کهن رو به افول است در حالی که همه نوع علوم زیان‌آور در حال شکوفایی هستند.

بهارات از روزگاران باستان، با فضیلت گنجینه‌ی معنوی خود، به تمامی جهان آرامش و آسایش بخشیده است. "لوکا ساماستا سوکینو باوانتو : بادا که همه‌ی جهان‌ها شاد باشند". این از روزگاری که به خاطر نمی‌آید ایده‌آل هندی‌ها بوده است. دلیل گرایش‌های ویرانگر در آموزش و پرورش امروز به رغم چنین میراث برجسته‌ای چیست؟

والدین در خانه، معلم‌ها در مدرسه و رهبران در جامعه، الگوهای درستی نیستند. آنها یک چیز می‌گویند و طور دیگری رفتار می‌کنند. دانش‌آموزان، مشاهده‌گر و باهوش‌ند. آنها می‌اندیشند، "وقتی بزرگترهای باتجربه آن طور رفتار می‌کنند، چرا ما نتوانیم؟" وقتی گاو، خودش برای چریدن به مرغزار می‌رود، آیا گوساله را در خانه خواهید یافت؟ بزرگترها علت ریشه‌ای افول اخلاقی در سرزمین ما هستند.

پیش از هر چیز، پدر و مادرها در خانه مسئول هستند. پدر و مادرها فقط مدرک، شغل، ثروت و موقعیت برای فرزندانشان می‌خواهند. هیچ پدر یا مادری به این امید نیست که کودک، سرسپرده و نجیب شود. پدر و مادرها حتماً باید کودکانشان را دوست داشته باشند اما این عشق نباید عشق دهریتراشترا^۱ باشد. از هر رفتاری که کودکانتان انجام می‌دهند جانب‌داری نکنید. اشتباهات باید مورد تنبیه قرار بگیرند و از کارهای خوب باید قدردانی شود. تنها با چنین تربیتی در خانه، دانش‌آموزان هنگامی که وارد جامعه می‌شوند ارزش‌هایشان را حفظ خواهند کرد.

آسایش حقیقی و آزادی حقیقی

امروزه هر دانش‌آموزی آرزومند آسایش است. آسایش چیست؟ آنها نمی‌فهمند آسایش چیست و با این وجود آرزومند آن هستند! به عقیده‌ی آنها، خوردن، خوابیدن و زندگی را بی‌اعتنا به زمان در پیش گرفتن، آسایش است. اما زندگی کردن بدون توجه به زمان، یک خصلت انسانی نیست. پرندگان و حیوانات آن گونه زندگی می‌کنند. چرا مثل انسان متولد شوید وقتی می‌خواهید مانند یک حیوان زندگی کنید؟ نه، نه. "جاننونام نارا جانما دورلابهام : در میان تمامی گونه‌ها، به دست آوردن یک تولد انسانی از همه دشوارتر است". تولد انسانی حقیقتاً بسیار باارزش و مقدس است. اگر دانش‌آموزان مانند حیوانات زندگی کنند نه تنها خود، بلکه انسانیت را لکه‌دار می‌کنند. آسایش راستین چیست؟ آن، کنترل حواس و سقف گذاشتن بر آرزوهاست. آنگاه ما شایسته‌ی آرامش و شادی خواهیم بود. این آزادی راستین است.

سواتانترام^۲، آزادی، چیست؟ آزادی این نیست که هر جا دوست دارید بروید و هر طور که دوست دارید رفتار کنید. سوا یعنی آنچه که از درون دل پدیدار می‌شود. دنبال کردن آموزش‌ها و خواسته‌ی آتما [خویشتن

^۱ بر اساس حماسه ماهابهارات، دهریتراشترا پادشاه نابینای سلسله کوروا، پدر یکصد پسر بود که همگی به واسطه خصلت‌های ناپسندشان در نبرد ماهابهارات به دست پاندواها که در جبهه‌ی راستی و درستی بودند کشته شدند. -م

الهی] که از دل سرچشمه می‌گیرد، آزادی راستین است. چهار مرحله‌ی سالوکیام، ساروپام، سامیبیام و سایوجیام^۱ تنها با پیروی از دستورات آتما امکان‌پذیر هستند. سوکا یا آزادی اراده، به معنی پیروی از [خواست] آتما است. سوکا = سوا (خود) + ایکا (خواستن). دانش [شناخت] آتما، کنکاش در آتما و سرور [حاصل از شناخت] آتما [یا خویشتن الهی]، اینها آزادی را تشکیل می‌دهند.

یگانگی، نیاز شدید امروز

هند آزادی از حاکمیت خارجی را به دست آورده اما ناراحت کننده است که ما به وحدت نرسیده‌ایم. دانش‌آموزان! وحدت از هر چیزی ضروری‌تر است. آنچه را که افراد نمی‌توانند به آن دست پیدا کنند، به طور دسته‌جمعی به راحتی به دست می‌آید. وداها می‌گویند:

*Kalasi Melasi Tirugudaam, Kalasi Melasi Perugudaam
Kalasi Melasi Telusukunna, Telivini Poshinchudaam
Kalasi Melasi Kalata Leka, Chelimito Jeevinchudaam*

بیایید با هم حرکت کنیم، بیایید با هم رشد کنیم،

بیایید دانشی را که با هم به دست آورده‌ایم پاسداری کنیم،

بیایید با هم در هماهنگی زندگی کنیم.

سرزمین بهارات همواره انسان‌های ممتاز فراوانی را به وجود آورده است -انسان‌هایی باهوش، باشهامت، دلیر، سرسپرده، نیرومند و نیکوکار. با این وجود ما مغلوب خارجی‌ها شدیم. به چه دلیل؟ تنها به این دلیل که وحدت وجود نداشت. به این دلیل بهارات ناچار شد بردگی و بی‌عدالتی و صفت‌ناپذیری را در دستان مهاجمین متحمل شود. دانش‌آموزان باید وحدت را پرورش بدهند. اعتبار و سعادت آینده ملت، وابسته به رفتار دانش‌آموزان است. از درست بودن رفتار اطمینان حاصل کنید. تمامی رهبران آینده‌ی بهارات از میان دانش‌آموزان امروز هستند. "زود حرکت کنید، آهسته برانید، سالم به مقصد برسید." آسایش ملت را به عنوان هدف اصلی، از آغاز روزهای دانش‌آموزی در قلبتان نقش کنید.

دانش‌آموزان باید به عنوان مردان عمل وارد جامعه شوند. شما باید در کوشش‌های عاری از خودخواهی، با اعتماد به نفس، پیروزی به دست بیاورید. این چیزی است که مادر هندوستان به سختی به آن نیازمند است. امروزه مردم بر اساس معیارهای گوناگون از فرم‌های جدید جامعه جانبداری می‌کنند. ما به یک نظام جدید اجتماعی یا یک جامعه‌ی مدل نیازمند نیستیم. پسران و دختران درستکار، به تنهایی کافی هستند. ملت تنها از طریق جوانان درستکار می‌تواند پیشرفت کند. ایجاد کردن عرف‌های اجتماعی گوناگون و سپس شکستن آنها تنها اتلاف وقت است.

تنها یک جامعه وجود دارد، جامعه‌ی بشریت. تمامی بشریت یکی هستند. اگر همه یکپارچه بایستند و با وحدت کار کنند، به راستی ملت بهارات چه اندازه شکوهمند خواهد شد! بهارات ۹۰ کرو (۹۰۰ میلیون) جمعیت دارد. اگر همه با هم، در هم‌نوایی با هم، مانند "مثبت، مثبت، مثبت، مثبت، مثبت، مثبت" عمل کنند، توانایی‌هایشان جمع خواهد شد و کشور مانند یک تن واحد، نیرومند خواهد ایستاد.

خودخواهی و نفرت را ریشه‌کن کنید

جنبه‌های بسیاری از فرهنگ باستانی بهارات هست که شما هنوز آن را نفهمیده‌اید. شما باید بر ارزش‌های بزرگی که در هند باستان وجود داشت تعمق کنید.

در سرزمین متعالی و مقدس بهارات،

بردباری نشان زیبایی است.

از تمام انضباطها،

پایبندی به حقیقت بزرگترین ریاضت است.

احساس شیرین حاکم بر این سرزمین

حس مادرانه است.

شخصیت از خود زندگی ارزشمندتر است.

اما، افسوس! مانند فیلی که از قدرت خود ناآگاه است،

بهاراتی‌ها امروز از ارزش‌های بیگانه تقلید می‌کنند،

و بزرگی خود را به فراموشی می‌سپارند.

چه قدرتی! چه ایثاری! چه تعهدی نسبت به درستکاری و عدالت! چنین بهاراتی از شکوه خویش ناآگاه است. علت چیست؟ [علت این است که] خودخواهی و نفرت رو به رشد هستند. روزی که خودخواهی و نفرت را نابود کنیم می‌توانیم به آرامش برسیم، و نه پیش از آن.

اول از هر چیز، نیازمندیم ارزش‌های انسانی را تغذیه کنیم و رشد بدهیم. نشانه‌ی راستین یک انسان چیست؟ [این که] کلمات، قلب و دست‌ها باید هماهنگ کار کنند. "the proper study of mankind is man: مطالعه‌ی مناسب برای نوع بشر، مطالعه‌ی انسان است"^۱. باید میان اندیشه، کلام و رفتارها یگانگی وجود داشته باشد. امروزه این ویژگی اصیل انسانی یعنی یگانگی غایب است. تحصیل، تنها آشنایی با کتاب‌ها نیست. سیستم تحصیلی امروز، باید به کلی دگرگون شود.

آموزش امروز

زیرکی و حيله می‌آموزد

نه حتی نره‌ای رفتار درستکارانه.

ارزش حتی یک میلیون نوع آموزش گوناگون چیست،

وقتی درستکاری نباشد؟

صد جریب زمین بی حاصل به چه کار می‌آید؟ یک قطعه زمین کوچک حاصلخیز، از آن بهتر است. حتی مقدار کمی آموزش وقتی با درستکاری همراه شود، پرمعناست. بدون درستکاری، هر تعداد مدرک PhD

^۱ بیٹی از شعر معروف پاپ الکساندر تحت عنوان "در توصیف بشر" در قرن هجدهم میلادی -م

بی‌فایده است. آنها PhD های کاملاً بلااستفاده هستند! ما باید حداقل یک مهارت مفید بیاموزیم. این "مفید بودن" چیست که باید به دنبالش باشیم؟ اطمینان حاصل کنید که تحصیل، هم شما و هم جامعه را شاد نگه می‌دارد. شما باید شاد و آرام باشید. و باید آن شادی را به جامعه نیز بدهید. ما همه، اعضای جامعه هستیم. نمی‌توانیم حتی لحظه‌ای از جامعه جدا زندگی کنیم. [حالا که] عضو جامعه هستیم باید پیش از خودمان، خواستار آسایش او باشیم. دانش‌آموزان! تحصیل را دنبال کنید و در همین حال، آسایش جامعه را پیش چشم داشته باشید.

Janani Janmabhoomischa Svargaadapi Gariyasi

مادر و سرزمین مادری از خود بهشت باارزش‌تر هستند.

ما در بهارات به دنیا آمدیم، در بهارات بزرگ شدیم، هوای بهارات را تنفس می‌کنیم، غذای بهارات را می‌خوریم. اما از ارائه خدمتی که بهارات سخت نیازمند آن است ناتوانیم.

دانش‌آموزان! مادر بهارات (بهاراتا ماتا) روز و شب آرزومند است که فرزندانش درستکار شوند. شما باید شهروندان خوبی بشوید، به شکوفایی برسید و تبدیل به دانش‌آموزانی نمونه شوید و در جامعه احترام و برای خودتان آرامش ذهن به دست بیاورید؛ این چیزی است که مادر بهارات برای شما آرزو دارد. به هر کشوری که تعلق دارید، احترام مردم سرزمین خود را پاس بدارید.

تنها یک طبقه‌ی اجتماعی هست: طبقه‌ی انسانیت.

تنها یک خانواده هست: خانواده‌ی معنوی.

تنها یک زبان هست: زبان دل.

ساکن درون – سرچشمه‌ی همه‌ی قدرتها

نام‌ها ممکن است تفاوت داشته باشند اما اساس یکسان است. انگشتی‌ها بسیارند اما طلا یکسان است؛ ملیت‌ها بسیارند، تولد یکسان است. گل‌ها بسیارند، پرستش یکسان است. به طور مشابه، خدا یکی و یکسان است.

Ekovasi Sarva Bhoota Antaraatma

ساکن یگانه‌ی درون، در درون همه هست.

آن [ساکن درون]، قدرت است؛ الکتریسته است. این الکتریسته در هر انسانی هست. این قدرت است که زندگی را نگه می‌دارد.

دانش‌آموزان! شما می‌دانید دانشمندان چگونه امروز ماشین‌های شگفت‌انگیز و پیچیده اختراع می‌کنند. اما آنها یک ماشین را که همه‌ی ماشین‌های دیگر را خلق می‌کند نمی‌شناسند! آنها ماشین‌هایی برای سفر به اعماق زمین، برای پرواز به سمت ماه، برای مهار انرژی خورشیدی و غیره می‌سازند. آنها بمب‌های اتم، بمب‌های هیدروژنی، انرژی هسته‌ای و بسیاری کاربردهای دیگر از این انرژی‌ها را اختراع کرده‌اند.

اما یک ماشین هست که از همه‌ی اختراعات بشر ارزشمندتر و نیرومندتر است؛ آن ماشین، بدن انسان است. اما امروزه کسی برای فهمیدن رازهای آن تلاش نمی‌کند. وقتی پدیده‌های بیرونی مطرح می‌شوند، بلی، دانشمندان فعالانه آنها را بررسی کرده و مورد آزمایش قرار می‌دهند. اما خودتان چه؟ ابتدا خودتان را آزمایش کنید!

قدرت شما در کیهان است و قدرت‌های کیهان در شماست. دانش‌آموزان باید این حقیقت را بفهمند. ممکن است شما کسی را شخص بزرگی بدانید. اما کسی بزرگتر از شما وجود ندارد! تمام قدرت و پتانسیل در شما حاضر است. قدرت جاذبه و انرژی مغناطیسی در شماست. الکتریسته، نور و آتش نیز در شما نهفته‌اند. قدرت اشعه‌ی X نیز درون شماست. در نتیجه، هر کسی یک کامپیوتر، یک ژنراتور، یک منبع نور، یک ایستگاه رادیویی ... و مجموع همه‌ی اینهاست. همه‌ی "اخبار" در درون ماست.

به جای آن که "اخبار (news)" درون خودمان را کشف کنیم، "مزاحمت (nuisance)"‌های بیرونی را جذب می‌کنیم. نه، نه. آنچه ما می‌خواهیم اخبار خوب و سالم است. این اخبار (NEWS) چیست؟ N- شمال، E- شرق، W- غرب، S- جنوب. آن الوهیتی که همه جا به یکسان حضور دارد را ما باید به درون‌مان جذب کنیم. حتی در میان دانشمندان امروزی، این مفهوم شمال، شرق، جنوب و غرب را نمی‌یابیم. ما که در جهان مادی زندگی می‌کنیم، این عبارات را بدون اندیشه‌ی زیاد به کار می‌بریم. ما می‌گوییم که خورشید از شرق طلوع می‌کند و در غرب غروب می‌کند. کاملاً اشتباه است! ممکن است بپرسید چرا. خورشید نه طلوع می‌کند نه غروب می‌کند. ما به دور خورشید سیر می‌کنیم و توهم شرق و غرب را ادراک می‌کنیم. الوهیت این گونه توضیح داده می‌شود:

*Nirgunam Niranjanam Sanaatanam Nitya Niketanam
Suddha Buddha Mukta Nirmala Svaroopinam*

فائق خصلت، بی‌آلایش، ابدی، منزلگاه نهایی،

پاک، آگاه، آزاد، تجلی پاک و تقدس.

با چنین تحصیلی ما باید همان آرامشی را که پیشینیان ما از آن لذت می‌بردند تجربه کنیم. هرگز کوشش‌هایتان را برای رسیدن به الوهیت وا نگذارید. در روزگار کهن، همه در آرامش بودند. اکنون، همه تنش دارند - از کودک خردسال گرفته تا پیرمرد کهنسال! این تنش بدخلقی ایجاد می‌کند. تنش و بدخلقی، ویژگی‌های انسانی را نابود می‌کنند. پس چگونه ما می‌توانیم انتظار آرامش داشته باشیم؟ با در دست داشتن بمب اتم، ما خواهان آرامش و صلح هستیم. این چگونه امکان‌پذیر است؟ تنها ترس به دست خواهیم آورد، ترس، ترس.

انسان به سمت ماه سفر کرده است. ماه، خنک و آرام است. حتی پس از سفر به چنین ماه خنکی، حرارت قلب‌های ما حتی رو به افزایش است. بنابراین آرامش بیرون شما نیست. شما تجلی حقیقت، عشق و آرامش هستید. به جای کوشش برای تجربه‌ی این حقیقت شکوهمند، دانش‌آموزان به تعقیب سوژه‌های گوناگون می‌پردازند. در این جنون سوژه‌ها، آنها هدف^۱ را از یاد برده‌اند!

سوژه و هدف، هر دو ضروری هستند. یک موتور لکوموتیو را در نظر بگیرید. آن موتور، گول‌پیکر و پیچیده است و میلیون‌ها می‌ارزد. با این وجود بدون جریان الکتریسته تنها یک آهن‌پاره است. بدن تنها با جریان الوهیت، ارزشمند است. وقتی این دو به هم بپیوندند می‌توانید هر قدرتی که میل داشته باشید را به دست بیاورید. همه‌ی قدرت‌ها در درون ماست. اما ما از بدن سوء استفاده می‌کنیم چون قادر به تشخیص قدرت نهفته در آن نیستیم.

^۱ Subject

^۲ Object

تمرین کنید

پس از هیچ چیز سوء استفاده نکنید. زمان، تعیین‌کننده‌تر از همه چیز است. اگر زمان از دست رفت، نمی‌توان دوباره آن را به دست آورد. بدون این که لحظه‌ای را تلف کنید، رهسپار انجام خدمت شوید. تمام مطالعات شما باید به خدمت جامعه گذاشته شود. تنها آنگاه دانش‌تان بهبود خواهد یافت. دانش کتابی، دانش سطحی و دانش عمومی به چه کار می‌آیند؟ همه‌ی اینها بی‌فایده‌اند. چرا؟ زیرا کاربرد عملی ندارند. آنچه ما امروز بدان نیاز داریم دانش عملی است. شما نام شیرینی‌های میسور پک، گلاب جامون، جیله‌بی، و برفی را به زبان می‌آورید. اما آیا می‌توانید مزه‌ی آنها را تنها با گفتن نام‌هایشان تجربه کنید؟ در عوض، تکه‌ی کوچکی بخورید و تجربه‌ی فوری و مستقیم به دست بیاورید.

پس در الوهیت شیرجه بزنید. چه حسنی دارد که واژه‌ی "خدا" را بارها بر زبان بیاورید؟ امروزه بسیاری از مردم تمام باگاو/نگیتا را به خاطر می‌سپارند. آنها هر آیه (سلوکا) را می‌دانند اما پایانی برای اندوه (سوکا) آنها نیست. چرا؟ اگر تنها یک آیه را به عمل بگذارید کافی است. پنجاه کبریت در یک قوطی کبریت هست. اما برای آن که آتشی با هر اندازه‌ای روشن کنید تنها به یک چوب کبریت نیاز دارید. به همه‌ی پنجاه چوب کبریت نیاز ندارید.

به طور مشابه، شما در درون خود، پنج ارزش انسانی دارید – ساتیا^۱، دارما^۲، شانتی^۳، پرما^۴ و آهیمسا^۵ (راستی، درستی، آرامش، عشق و عدم‌خسونت). یکی از آنها را تمرین کنید. این کافی است.

عشق (پرما) اساس است. با عشق سخن بگویید – آن سخن، حقیقت است.

کارها را با عشق انجام دهید – آن کارها، دارما (درستکاری) هستند.

با عشق پرس‌وجو کنید – آن [پرس‌وجو] به آهیمسا (عدم‌خسونت) بدل می‌شود.

جایی که عشق حضور دارد، جایی برای نفرت نیست.

جایی که نور حاضر است، جایی برای تاریکی نیست.

دانش‌آموزان! ما دعا می‌کنیم، "تاماسو ما جیوتیر گاما یا : مرا از تاریکی به نور راهبر شو". این نیکی‌ها را در درونتان روشن کنید و تاریکی جهل را بیرون برانید.

فرمانبرداری و فروتنی

بیشتر از هر چیز، به خاطر جوانی‌تان به غرور و خودبینی دچار نباشید. این مرحله‌ی جوانی مانند ابرهای در حال گذر است؛ مانند برق می‌آید و می‌رود. دوره‌ی جوانی باید مادامی که ادامه دارد، معنا بخشیده شود. به پدر و مادر و بزرگترها احترام بگذارید. حرف‌شنوی و فروتنی را در خودتان پرورش بدهید. بدون فروتنی، تمام تحصیلات شما بیهوده است. اما دانش‌آموزان امروزی هیچ چیز درباره‌ی معنای فروتنی نمی‌دانند. آنها هر طور که دوست دارند رفتار می‌کنند.

^۱ Sathya

^۲ Dharma

^۳ Shanti

^۴ Prema

^۵ Ahimsa

یک پسر، رفتار نیک دارد؛

یک مرد، منش نیک؛

و یک سرسپرده، انضباط نیک.

شما خود را پسر می‌نامید اما رفتار [مناسب] ندارید. این رفتار [مناسب] باید زود، یعنی از زمانی که شما یک پسر بچه هستید شروع شود. "زود حرکت کنید، آهسته برانید، سلامت به مقصد برسید." مطالعه و تحصیل‌تان را با رفتار‌تان مقایسه نکنید. ارزش‌های انسانی، ارزش‌های انسانی هستند. آنها را با هیچ چیز مقایسه نکنید زیرا آنها آکنده از الوهیت هستند.

بنابراین از سنین جوانی به موضوعات معنوی بیندیشید. "خدا کیست؟ چگونه می‌توانم او را ببینم؟ چگونه می‌توانم مانند یک انسان راستین زندگی کنم؟ به چه صورت می‌توانم به جامعه خدمت کنم؟ تمام این مطالب را در این دوره‌ی تابستانی می‌توان فهمید. این دوره برای آن نیست که موضوع جدیدی را به شما تدریس کند. موضوع این دوره، ارزش‌های انسانی است. نام آن، "دوره‌ی تابستانی در باب فرهنگ و معنویت هندوستان" است. فرهنگ چیست؟ فرهنگ گاهی اوقات به عنوان "یک راه زندگی" تعریف می‌شود. اما فرهنگ هندوستان را به آسانی نمی‌توان فهمید – آن فرهنگ، معانی بی‌شماری دارد. خود زندگی، فرهنگ است. رفتار ما، لحظه به لحظه، فرهنگ است.



اندوه سرزمین مادری

دانش‌آموزان! حالا که در این سرزمین مقدس به دنیا آمده‌اید، باید به شیوه‌ای رفتار کنید که آرامش در کشور افزایش پیدا کند. امروزه مادر بهارات پیوسته اشک می‌ریزد و در حیرت است که فرزندانش پس از این دیگر به چه شیوه‌ای او را خواهند آزرده و مایه‌ی سرافکنندگی‌اش خواهند شد! نه تنها دانش‌آموزان، بلکه همه‌ی [افراد در] چهار مرحله‌ی زندگی – برهماچاری، گریهاستا، واناپراستا و سانیاسا^۱ – موجب اندوه

^۱ مراحل چهارگانه‌ی زندگی در فرهنگ کهن هندوستان که به ترتیب عبارتند از: مرحله‌ی دانش‌آموزی، تاهل، بازنشستگی و ترک وابستگی. - م

مادر بهارات می‌شوند. هیچ بخشی از جامعه، موجب رضایت و خشنودی کشور نیستند. چه رقت‌انگیز است که حتی در حیطه‌ی معنویت، بهارات اشک می‌ریزد!

امروزه تنها ظاهر بیرونی آدم‌ها تغییر می‌کند اما ذهن‌هایشان این گونه نیست. لباس‌هایشان تغییر می‌کند اما خصلت‌هایشان نه. این مردم راه به کدام سو دارند؟ آیا امروز کسی هست که قادر باشد حقیقت را درباره‌ی مادر بهارات بشناسد و بفهمد؟ سرزمین مادری نگران آن است که، "فرزندان خودم قادر به شناختن من نیستند!"

چه نوع فرزندان‌ی هستند آنها که مادر خود را نمی‌شناسند؟ باید ابتدا مادران را بشناسید. سپس سرشت پدرتان را بفهمید. کشور، مادر است و فرهنگ، پدر. نخست از سرزمین مادری‌تان و فرهنگ آن محافظت کنید. میهن‌پرستی و ملی‌گرایی کاملاً در جوانان امروز غایبند. معنای کشور چیست؟ دانش‌آموزان می‌اندیشند که سرزمین، درختان و رودخانه‌ها، کشور را به وجود می‌آورند. نه، نه.

دانش‌آموزان باید اصل سرزمین مادری‌شان را بفهمند. "این سرزمین مادری من است، این زبان مادری من است!"، باید این را با افتخار بگویید. اگر نتوانید، تنها یک جسد مرده هستید! ما باید آماده باشیم حتی جان خود را برای خاطر کشور فدا کنیم! "چه اهمیتی برای من دارد که کشور یا جهان رو به نابودی باشد؟ من باید شاد باشم" – این خلق‌و‌خوی دانش‌آموزان امروزی است. این نادانی فاحشی است. تنها وقتی کشور شاد باشد جامعه می‌تواند شاد باشد. و شما تنها وقتی جامعه شاد است می‌توانید شاد باشید. دانش‌آموزان! ملت را در مرتبه‌ی نخست، بالاتر از هر چیز دیگر در نظر بگیرید. کشور ما چه نام دارد؟ ما هیندو (Hindu) نامیده می‌شویم. این به چه معناست؟

Humility (فروتنی)

+ Individuality (فردیت، استقلال هویت فردی)

+ Nationality (میهن‌دوستی)

+ Divinity (گرایش به الوهیت)

+ Unity (وحدت)

=

HINDU

تنها وقتی این ویژگی‌ها را داشته باشید یک هندی حقیقی خواهید بود. از میان اینها، فروتنی از همه ضروری‌تر است. غرور، چهار فضیلت دیگر را دور می‌کند. بدون فروتنی، فرد وجود ندارد چه رسد به فردیت! فروتنی، فروتنی، فروتنی – این بیشترین اهمیت را دارد. تنها در این صورت است که وحدت به دست می‌آید.

برای سرزمین مادری کار کنید

ده روزی که در دوره‌ی تابستانی پیش رو داریم ارزشمند هستند. هر لحظه از آن را مانند یک برهه‌ی تاریخی تلقی کنید و از این زمان با دقت استفاده ببرید. زندگی را تنها با گوش دادن هدر ندهید. باید به آنچه یاد گرفته‌اید عمل کنید. ترجمان گفتار به عمل باید ویژگی اصلی دانش‌آموزان ما باشد.

نخست‌وزیر و وزیر آموزش ایالت کارناتاکا اینجا هستند تا به شما رهنمود بدهند. باید انتظاراتی را که آنها از شما دارند درک کنید. مطابق امیدهای والای این میهمانان زندگی کنید و با نشان دادن رفتار نمونه‌تان سبب شادی آنها شوید. نخست‌وزیر برای آسایش مردم زحمات زیادی کشیده است. او می‌خواهد کارهای خوبی که ماندگار باشند برای کشور انجام دهد. اما انسان‌های خوب همیشه با مانع روبرو می‌شوند. شادی فاصله‌ی بین دو رنج است. طبیعی است که انسان‌های خوب موانع بیشتری را تجربه کنند زیرا کسی به خود زحمت نمی‌دهد که به افراد بی‌اهمیت نگاهی بیندازد. یک الماس زیبا، تراش‌های بیشتری دریافت می‌کند. طلا در کوره می‌سوزد. اما هر چه بیشتر می‌سوزد خالص‌تر می‌شود. تراش‌های یک الماس، تنها موجب زیباتر شدن آن می‌شوند. به همین ترتیب، مشکلات تنها سبب بالا رفتن ارزش انسان‌های خوب می‌شوند. بنابراین باید با شهامت با مشکلات روبرو شویم.

زندگی یک چالش است، با آن روبرو شو.

زندگی یک رویاست، آن را درک کن.

زندگی یک مسابقه است، آن را بازی کن.

زندگی عشق است، از آن لذت ببر.

زندگی، آگاهی است. "پورنامادا پورنامیدام پورنات پورنام اوداچیاته": این کامل است، آن کامل است؛ از کامل، کامل پدید می‌آید". همه چیز، پورنام^۱، کامل است. ذهن شما نیز باید کامل باشد، نه محدود. گسترش عشق را تمرین کنید. سخنانم را با این امید و آرزوی خیر که شما سرزمین مادری‌تان را بفهمید، برای آسایش آن کار کنید، و الگوهای ایده‌آلی شوید به پایان می‌رسانم.



باگوان از همه خواستند که بایستند. بنا به دستور ایشان، سرود ملی هندوستان

"جانا گانا مانا آدھنایاکا جایا هه" خوانده شد.



^۱ واژه‌ی سانسکریت Purnam به معنی کامل و تمام. -م